



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

بحث از اوراق قرضه به اینجا رسید که یکی از احتمالاتی که می توان برای این اوراق مطرح کرد، به این صورت بود که نه خودش مالیت داشته باشد و نه قرض باشد، بلکه معرّف یک معامله و بیع هستند، به این صورت که معرّف بیع سلم باشد به این صورت که منتشر کننده این اوراق، مقدار پولی را که باید یک سال دیگر تحویل بدهد، این پول را به صورت سلم می فروشد، مثلاً ۱۰۰۰ تومان را به صورت سلم می فروشد و مردم این پول را به قیمت مثلاً ۸۰۰ تومان می خردند و یا مثلاً به همان مبلغ ۱۰۰۰ تومان می فروشد ولی در بیع سلم شرط می کنند که مبلغی را ماهیانه به خریدار بدهد. گفته شد که بر اساس قواعد، عمومات و اطلاقات معاملات و عقود، این کار فی نفسه اشکالی ندارد و روایتی را نیز در باب سلم مطرح کردیم.

### اشکال اول نسبت به صحت احتمال سوم

لکن این مطلب، فی نفسه بود یعنی بدون در نظر گرفتن سایر ادله، این مطلب گفته شد، همانطور که کالاهای دیگر را می توان به صورت سلم فروخت، پول را هم می توانیم به صورت سلم بفروشیم، لکن مطلبی که باید به آن توجه داشت، این است که در بحث ما، منتشر کننده اوراق قرضه، ۱۰۰۰ تومان را به ۸۰۰ تومان می فروشد یا اگر ۱۰۰۰ را به ۱۰۰۰ می فروشد، لکن شرط می کند که ماهیانه مبلغی را پرداخت کند، که این معامله، معامله ربوی محسوب می شود. یعنی هر چند در اینجا معامله رخ داده است و مشمول عمومات و اطلاقات معاملات می باشد، لکن این عمومات و اطلاقات، با ادله تحریم ربا تخصیص و تقیید خورده اند و همانطور که «أحلّ الله البيع» داریم، «حرم الربا» را نیز داریم. یعنی در بین ادله تحریم ربا، ادله مطلق داریم که ربا به هر صورتی که باشد چه قرض، چه بیع و... حرام می باشد، فلذا در بحث ما نیز که پول را به پول به صورت بیع سلم فروخته اند، از آن جایی که مثل به مثل نیست بلکه یک طرف نسبت به طرف دیگر، زیاده دارد، پس بیع سلم ربوی رخ داده است، بنابراین طبق ادله مطلق حرمت ربا و بطلان معاملات ربوی، باید این معامله نیز علی القاعده باطل بشود، زیرا که این ادله مخصص و مقید عمومات و اطلاقات صحت معاملات می باشند.

### جواب

همان جوابی که در مباحث گذشته، در بحث قرض ربوی دادیم، در اینجا نیز مطرح است، به این صورت که هر چند ادله حرمت ربا، وجود دارند و مطلق هستند ولی همین اطلاقات حرمت ربا نیز مقید هستند و ادله دیگری یا مخصص یا حاکم بر این اطلاقات هستند. یعنی ادله حرمت معاملات ربوی تخصیص و تقیید خورده است به معاملاتی که مکیل و موزون باشد و فقها نیز بر اساس این مطلب فتوا داده اند و فرموده اند که در مواردی که ثمن و مثنی مکیل و موزون نباشند، معاملات ربوی اشکالی ندارد؛ که در این موضوع روایات متعددی داریم همچون:



مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَكُونُ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.<sup>۱</sup>

که لسان این روایت، حکومت است یعنی نفی موضوع است و می فرماید اصلاً در غیر مکیل و موزون ربا نیست، نه اینکه ربا هست و جایز است، مثل «لا شکت لکثیر الشک».

و از طرفی پول که در بحث ما مورد معامله قرار گرفته است، مکیل و موزون نیست. بنابراین معامله ربوی پول اشکال ندارد. فقها نیز بر این مطلب فتوا داده اند، مثلاً حضرت امام (ره) در ملحقات تحریر الوسیله تصریح فرموده اند: «يجوز بيع بالزيادة و لا ربا فيه إلا اذا جعل البيع وسيلة عن التخلص عن الربا القرصي» که آن استثناء در مورد حیل ربا است که خواهد آمد. بنابراین هم رو فتوای فقها چنین است که ربای معاملی در غیرمکیل و موزون اشکالی ندارد و هم روایات دلالت بر این مطلب دارند که روایات برخی به لسان حکومت این مطلب را می فرمایند - مثل صحیحه زراره که گذشت - و برخی به لسان تقیید و تخصیص این مطلب را بیان می کنند.

روایت دیگر که به لسان حکومت است، روایت عبید بن زراره - که بنابر برخی سند ها صحیحه است و بنابر برخی سندها موثقه است - :

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبيدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يَكُونُ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.<sup>۲</sup>

روایات دیگری که به لسان تخصیص هستند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أُتُوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحَصْبِيِّ عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّاةِ بِالشَّاتَيْنِ وَ الْبَيْضَةِ بِالْبَيْضَتَيْنِ قَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ كَيْلًا أَوْ وَزَنًا.<sup>۳</sup>

سوال پرسیدند که معامله یک گوسفند در مقابل دو گوسفند یا یک تخم مرغ در مقابل دو تخم مرغ اشکال دارد؟ حضرت فرمودند: مادامی که کیل و وزن نباشد، اشکالی ندارد؛ یعنی تا وقتی مکیل و موزون نباشند، اشکالی ندارد.

روایت دیگر به لسان تخصیص:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَارِثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَيْضَةِ بِالْبَيْضَتَيْنِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَ النَّوْبِ بِالنَّوْبَيْنِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَ الْفَرَسِ بِالْفَرَسَيْنِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ ثُمَّ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ فَلَا يَصْلُحُ مِثْلَيْنِ بِمِثْلٍ إِذَا كَانَ مِنْ جِنْسٍ وَاحِدٍ فَإِذَا كَانَ لَا يُكَالُ وَ لَا يُوزَنُ فَلَا بَأْسَ بِهِ اثْنَيْنِ بِوَاحِدٍ.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۳.

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱۸؛ ص ۱۳۴.

۴. وسائل الشیعة؛ ج ۱۸؛ ص ۱۵۳.



در این حدیث حضرت قاعده ای کلی بیان نموده اند: اگر مکیل یا موزون نباشند، زیاده در آن اشکال ندارد. روایت دیگر:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الشَّاةِ بِالشَّائِنِ وَالْبَيْضَةِ بِالْبَيْضَتَيْنِ فَقَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ مَكِيلًا أَوْ مَوْزُونًا.<sup>۱</sup>

روایت دیگر:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِمُعَاوَضَةِ الْمَتَاعِ مَا لَمْ يَكُنْ كَيْلًا وَلَا وَزْنًا.<sup>۲</sup>

خلاصه اینکه روایات متعددی داریم که مفادشان این است که معامله ربوی در غیرمکیل و موزون، اشکالی ندارد و این روایات مورد عمل و فتوای فقهاء قرار گرفته است.

پس این روایات، ادله حرمت ربای معاملی را تخصیص می زند و در نتیجه مفادشان چنین می شود: ربا حرام است مگر اینکه مکیل و موزون نباشد.

در مانحن فیه، واضح است که پول های اعتباری - ریال، دلار، یورو، درهم و دینارهای امروز که پول اعتباری هستند و... - ، مکیل یا موزون نمی باشند، لذا معامله این پول ها ولو به همراه زیادی و ربا باشد، اشکالی ندارد. نتیجه: این بیع سلم که در اینجا مطرح شده است، اشکالی ندارد.

### اشکال:

هر چند بیع به همراه زیاده در غیرمکیل و موزون، اشکالی ندارد، و پول نیز امری غیرمکیل و موزون است ولی نسبت به «پول» ادله خاصی داریم که ربا و زیاده در آن، چه به صورت قرض و چه به صورت معامله، اشکال دارد و آن ادله خاصه، روایاتی است که در مورد درهم و دینار وارد شده است، مثل:

رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِرْهَمٍ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِينَارَيْنِ إِذَا دَخَلَ فِيهَا دِينَارَانِ أَوْ أَقَلُّ أَوْ أَكْثَرُ فَلَا بَأْسَ بِهِ.<sup>۳</sup>

امام علیه السلام در مورد درهم در مقابل درهم می فرماید: اگر هزار و یک درهم را با هزار درهم و دو دینار عوض کنند، اشکالی ندارد ولی اگر آن دو دینار نباشند، مثلاً هزار و یک درهم را با هزار درهم عوض کنید، جایز نیست، یعنی درهم به درهم یا دینار به دینار جایز نیست.

روایت دیگر:

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۸؛ ص ۱۵۵.

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۱۸؛ ص ۱۵۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۸۰.



رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ - عَلَى بْنِ أَبِي حَمْزَةَ بَطَانَتِي - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّرَاهِمِ بِالدَّرَاهِمِ وَعَنْ فَضْلِ مَا بَيْنَهُمَا فَقَالَ إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا نُحَاسٌ أَوْ ذَهَبٌ فَلَا بَأْسَ<sup>۱</sup>

از حضرت سوال شده است که آیا جایز است که درهم را با درهم عوض کنم و زیاده بگیرم؟ حضرت می فرمایند: اگر در مقابل آن زیاده، چیزی در طرف دیگر مثل طلا و... اضافه می کنید، این معاوضه اشکالی ندارد - و دیگر از ربا خارج شده است - و إلا جایز نیست.

این روایات اطلاق دارند و هم شامل معامله و هم قرض می شود، یعنی چه در معامله و چه در قرض درهم و دینار، زیاده جایز نیست.

بر اساس این روایات: ربای قرضی و ربای معاملی در درهم و دینار اشکال دارد.

با الغای خصوصیت از این روایات، چنین می گوئیم که: فرقی بین درهم و دینار آن زمان و بین پول امروزی نیست، زیرا هر دو دسته نقدین هستند فلذا همان طور که زیاده در قرض و معامله درهم و دینار، جایز نبوده است، در معامله پول با پول نیز زیاده و ربا جایز نیست.

پس هر چند معامله ربوی غیرمکمل و موزون جایز است ولی با توجه به ادله خاصه، معامله درهم و دینار به همراه زیاده، جایز نیست. و همان طور که پول رایج در گذشته، درهم و دینار بوده است و ربا در آن جایز نبوده است، در زمان ما نیز پول رایج، همین پول های اعتباری - است فلذا ربا در معامله پول به پول جایز نیست.

#### پاسخ:

همان طور که قبلاً گفته شد، الغای خصوصیت در اینجا وجهی ندارد، زیرا که درهم، نقره است و دینار، طلا است ولذا امکان دارد که درهم و دینار که طلا و نقره هستند، خصوصیت داشته باشند و احکام خاص خود را داشته باشند ولذا اگر کسی نقدین - درهم و دینار - را یکسال نگه دارد، باید زکات بدهد، آیا در پول هم باید زکات بدهد؟! یا معامله درهم و دینار، از باب صرف است و باید در مجلس قبض و اقباض انجام شود، ولی نمی توان این خصوصیت را به پول های اعتباری تسری داد و همین احتمال خصوصیت کافی است و نیاز به قطع به خصوصیت داشتن درهم و دینار نیست.

و شاید هم علت عدم جواز ربا در معامله درهم و دینار، این باشد که اصل درهم و دینار، نقره و طلا است و این ها در اصل مکمل و موزون هستند، ولذا به خاطر همین مکمل و موزون بودن، نباید به زیاده معامله شوند و گرچه الان ضرب شده است و سکه (درهم و دینار) شده است ولی همچنان طلا و نقره است؛ پس چون ریشه و اصل این سکه مکمل و موزون است، پس ربای در آن جایز نیست.

پس چون احتمال خصوصیت داده می شود، نمی توان از ادله و روایاتی که دال بر حرمت ربا در درهم و دینار هستند، تعدی به پول های اعتباری امروزی کنیم و در این جهت، فرقی بین پول های اعتباری نیست که مثلاً ریال ایران باشد یا ریال عربستان باشد و یا دلار آمریکا باشد یا یورو اروپا باشد یا درهم و دینار عراق و امارات و... باشد، هر پولی که در زمان ما مطرح هستند، همگی غیرمکمل و موزون هستند فلذا بیع سلم در این موارد ولو ربوی باشد، بلا اشکال خواهد بود.

<sup>۱</sup>. وسائل الشیعة؛ ج ۱۸؛ ص ۱۸۱.



### اشکال دوم نسبت به صحت احتمال سوم

این اشکال از طرف حضرت امام (ره) در ملحقات تحریر مطرح شده است:

هر چند می پذیریم که بیع ربوی پول جایز باشد ولی شرط دارد و آن عبارت است از: این بیع، حيله شرعی نباشد، یعنی در جایی بیع غیرمکمل و موزون به همراه تفاضل، اشکالی ندارد، که این بیع مستقلاً مقصود باشد نه این که داعی و هدف اصلی قرض ربوی است و برای تخلص از حرام، اقدام به این حيله شرعی شده است تا به آن هدف برسند، که در این صورت این بیع حرام و باطل است:

و يجوز بيعه بالزيادة، و لا ربا فيه إلا إذا جعل البيع وسيلة للتخلص عن الربا القرضي<sup>۱</sup>.

همچنین:

لو وقعت المعاملة على النوت و المنات و الأوراق النقدية المتعارفة في زماننا من طرف واحد أو الطرفين فالظاهر عدم جريان أحكام بيع الصرف عليها، و لكن لا يجوز التفاضل لو أريد التخلص من الربا، فمن أراد الإقراض بربح فتخلص منه بيع الأوراق النقدية متفاضلاً فعل حراماً، و بطل البيع أيضاً<sup>۲</sup>.

بنابراین هر چند که اصل معامله ربوی در پول های امروزی جایز است ولی اگر برای تخلص از قرض ربوی باشد - که به نظر حضرت امام (ره) قرض ربوی در پول اعتباری حرام است - و به عنوان حيله شرعی باشد، این کار جایز نیست. در ما نحن فيه نیز که بانک و دولت می خواهند بیع سلم انجام دهند، در واقع می خواهند از مردم پول قرض بگیرند و لذا اسم این اوراق را اوراق قرضه گذاشته اند - هر چند با اسم گذاری مشکلی حل نمی شود و حتی با تغییر اسم، حقیقت این اوراق، که قرض است، تغییری نخواهد کرد - و لذا ولو در غالب بیع باشد، ولی چون حيله شرعی است، باطل و حرام است. که ادله حرمت حیل شرعی ربا به صورت مفصل در کتاب البیع مرحوم امام (ره) مطرح شده است، لکن در بحث تامین نقدینگی به صورت مفصل این ادله بررسی شدند. لذا اگر کسی این مبنا را بپذیرد که اولاً حیل شرعی حرام و باطل است و ثانیاً قرض ربوی در پول حرام است و از طرف دیگر به این نتیجه برسد که دولت و شرکت و کسی که اوراق قرضه منتشر می کند، هدفش حيله شرعی است، این احتمال سبب تصحیح اوراق قرضه نمی شود. ولی اگر کسی یکی از این مبانی را نپذیرد، یعنی:

یا ادعا کند که قرض ربوی در پول حرام نیست - که قبلاً مطرح شد که مثلاً گفته شود که «لا یكون الربا إلا فی ما یقال او یوزن» هم بر قرض ربوی و هم بر معامله ربوی حکومت دارد و لذا در هر دو صورت، چیزی که مکمل و موزون نیست، چه قرض ربوی آن و چه معامله ربوی آن جایز است - هر چند این بیع فرار از قرض ربوی پول است ولی از آن جایی که قرض ربوی پول حرام نیست، پس حيله آن نیز مسلماً حرام نخواهد بود و هر دو حلال هستند و اصلاً حيله شرعی مطرح نیست زیرا که پول اعتباری، مکمل و موزون

۱. تحریر الوسيلة؛ ج ۲، ص: ۶۱۹.

۲. تحریر الوسيلة؛ ج ۱، ص: ۵۳۹.



نیست فلذا بیع یا قرض ربوی آن جایز است.

یا ادعا کند که هر چند قرض ربوی پول، حرام است لکن حرمت حیل شرعی قرض ربوی، ثابت نیست و ادله ای که برای حرمت اقامه شده اند توسط عده ای از فقهای بزرگ رد شده است و همان طور که از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «نعم الفرار من الحرام الی الحلال» البته اگر به گونه ای باشد که رواج این عمل در جامعه، موجب تحقق مفاسد ربا باشد مثل اینکه موجب کساد بازار و از بین رفتن احسان و قرض الحسنه بشود، جواز حیل شرعی محل تأمل است، کما اینکه یکی از ادله حضرت امام (ره) برای حرمت حیل ربا، همین مطلب است.

### نتیجه بررسی احتمالات:

تصحیح اوراق قرضه از راه بیع سلم - احتمال سوم - اشکال شرعی ندارد.

احتمال اول و دوم نیز به نظر ما بلا اشکال است، هر چند در احتمال اول، به نظر عمده فقها، قرض ربوی پول اشکال دارد ولی بیان شد که از حیث ادله، دلیل بر حرمت آن نداریم.

### بررسی احتمال چهارم

این صورت برعکس احتمال سوم است، به این صورت که:

هر چند نام این اوراق، اوراق قرضه است و مردم می خرند ولی در حقیقت خریدار اوراق قرضه، بایع است و معامله نسبیه رخ داده است، به این صورت که خریداران اوراق، مثلاً ۸۰۰ تومان نقد به عنوان مبیع می دهند و این ۸۰۰ تومان را به دولت یا شرکت به ۱۰۰۰ تومان یکساله می فروشد. و یا اینکه ۱۰۰۰ تومان نقدی را به ۱۰۰۰ تومان یکساله می فروشد، به شرطی که خریدار (دولت یا شرکت پخش کننده اوراق قرضه) ماهیانه به او (مردمی که اوراق قرضه را تحویل می گیرند) فلان مقدار سود بدهد. پس در این فرض فروشندگان اوراق، خریداران پول هستند و خریداران اوراق، فروشندگان پول هستند.

در مورد این احتمال نیز باید گفت: از آنجایی که معامله نسبیه رخ داده است فلذا اشکالی ندارد ولی همان شبهاتی که در احتمال سوم مطرح شدند، در این احتمال نیز مطرح هستند، به این صورت که گفته شود: بیع نسبیه در این صورت، ربوی است. ولی همان پاسخ در اینجا نیز می آید، که بیع ربوی در غیر مکیل و موزون اشکالی ندارد؛ و همان شبهه و جواب در مورد بیع ربوی پول، مطرح می شود.

بنابراین بر اساس ادله، هر ۴ صورت بدون اشکال هستند لکن اگر گفته شود که صورت سوم و چهارم را قبول نداریم و همانطور که معامله ربوی درهم و دینار، حرام است، معامله - چه سلم و چه نسبیه - ربوی پول های اعتباری نیز حرام است. که در این صورت همان مطالب قبلی مطرح می شود که آیا مطلقاً حرام است یا اینکه تفصیلاتی در مقام داریم، مثلاً اینکه طرف معامله مسلمان باشد یا نه، در حکم حرمت معامله تأثیر داشته باشد و شخص قائل شود که ربا گرفتن از غیرمسلمان جایز است بنابراین مسلمان می تواند از دولت های خارجی با بیع سلم ربوی، یا بیع نسبیه ربوی و یا حتی با قرض ربوی، ربا بگیرد.

بنابراین در روایت آمده است که: مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْحَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ أَهْلِ حَرَبِنَا رِبًا فَإِنَّا نَأْخُذُ مِنْهُمْ أَلْفَ دِرْهَمٍ بِدَرْهَمٍ وَ نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ لَا نُعْطِيهِمْ.<sup>۱</sup>

۱. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار ؛ ج ۳ ؛ ص ۷۰.



که در این روایت تصریح شده است که گرفتن ربا از اهل حرب، اشکالی ندارد و فقهایایی که به این روایات برای تفصیل بین حرمت ربا، استناد کرده اند، در بحث ما نیز باید ملتزم به این تفصیل بشوند، به این صورت که انتشار اوراق قرضه، با عنوان بیع سلم، بیع نسبه و یا قرض ربوی، در صورتی که منتشر کننده غیر مسلمان است و خریدار مسلمان باشد، اشکالی ندارد.

لکن همان طور که قبلاً گفته شد، از دو جهت به این روایت اشکال داریم، هم از جهت سندی محل کلام است و اشکال دارد و هم از جهت دلالتی اشکال دارد زیرا که موضوع سخن در این روایت «اهل حرب» است نه «غیر مسلمان»؛ زیرا که در اهل حرب، دو احتمال دارد:

۱. کسانی که با ما در حال جنگ هستند که منظور غیرمسلمانانی هستند که محارب هستند، نه هر غیر مسلمانی و شامل کسانی که در صلح و تحت معاهده هستند، نمی شود.

۲. مقصود غیرمسلمانی است که تحت ذمه نیست، که در این صورت نیز اطلاق ندارد و شامل مطلق غیرمسلمان نمی شود و اهل ذمه را شامل نمی شود.

بنابراین تفصیل بین مسلمان و غیرمسلمان بر اساس این روایت ناتمام است.

لکن کسانی که قائل به این تفصیل هستند، نباید بگویند که انتشار اوراق قرضه، مطلقاً حرام است بلکه باید تفصیل بدهند. و یا کسانی که بین ربای تولیدی و استهلاکی تفصیل دادند، در اینجا نیز باید تفصیل بدهند و اگر شرکت یا دولتی به قصد «تولید» اقدام به انتشار اوراق قرضه نماید، قرض ربوی و معامله ربوی که انجام می گیرد، اشکالی ندارد. همچنین کسی که بین شخص حقیقی و شخص حقوقی تفصیل می دهد، در اینجا نیز باید ملتزم شود که حرمت ربا فقط مختص شخص حقیقی می باشد فلذا اگر دو طرف معامله ربوی یا قرض ربوی، اشخاص حقوقی باشند، اشکالی ندارد.

بنابراین در این مسئله نمی توان به صورت مطلق گفت که انتشار اوراق قرضه، اشکال دارد بلکه بر اساس مبانی مختلفی که وجود دارد، حکم این موضوع نیز متفاوت خواهد شد.

تا اینجا حکم بازار اولیه - عرضه اولیه - اوراق قرضه و اوراق بدهی مشخص شد.

### بررسی اوراق قرضه در بازار ثانویه

بر فرض که عرضه اولیه اوراق قرضه، اشکالی نداشته باشد و افرادی این اوراق را خریداری نمودند، بحث در این واقع می شود که این افراد می توانند این اوراق قرضه را در بازار ثانویه بفروشند یا اینکه این کار شرعاً جایز نیست؟

برای مشخص شدن، حکم این فرض نیز باید به مبانی مختلف و احتمالات متفاوتی که در بحث اوراق قرضه بودند، توجه کرد، ولذا ابتدا باید مشخص شود که بر اساس کدام تصویر - احتمالات چهارگانه - اوراق قرضه خریداری شده است:

بر اساس **احتمال دوم** که خود این اوراق امری مالی و فی نفسه بهادار است و خودش مال است و مثل پول است و سند برای چیزی نیست، و مثل سهام هست بنابراین مبنا که حاکی از اموال شرکت نیست، بلکه خودش مال است:

فروش اوراق قرضه در بازار ثانویه اشکالی ندارد و همانطور که فروشنده اولیه، در عرضه اولیه مالی را فروخته است و اشخاص خریداری کرده اند، الان نیز مالک های این اموال، می توانند اموال خود را بفروشند. (که این اموال همان اوراق قرضه است).

و می تواند گران تر یا ارزان تر بفروشند و اطلاعات و عموماً باب معاملات مثل اوفوا بالعقود و احل الله البیع و... شامل این





موارد نیز می شود.

بنابر **احتمال اول** که اوراق قرضه معرّف وام و بهره است - بنابر این فرض که عرضه اولیه این اوراق در این احتمال اشکال نداشته باشد و قرض ربوی صحیح بوده است - :

شخصی که اوراق قرضه را خریده است، طلبکار است و دولت و شرکت و... به او بدهکار هستند، زیرا که ۸۰۰ تومان قرض داده است که ۱۰۰۰ تومان پس بگیرد، و الان می خواهد طلب خود را که ۱۰۰۰ تومان است به شخصی دیگر بفروشد؛ این صورت از مصادیق «بیع دین» می شود، زیرا که خود ورقه قرضه، مالیت ندارد و حاکی از طلب است و لذا شخص می خواهد طلب خود را بفروشد، البته اگر می خواهد در بین سال و قبل از رسیدن سر رسید، دین خود را بفروشد، می شود: بیع دین مؤجل؛ ولی اگر در آخر سال و در زمان سر رسید می خواهد دین خود را بفروشد، «بیع دین حال» می شود.

که باید بررسی کنیم که «بیع دین مؤجل» مطلقاً جایز نیست و یا در مسئله تفصیل وجود دارد، که باید به بررسی آن بپردازیم. مثلاً اگر بیع مؤجل باشد و به صورت نسبه فروخته شود، برخی فرموده اند که این بیع، «بیع دین به دین» است و «بیع دین به دین» نیز باطل است، زیرا که در روایات آمده است که بیع دین به دین جایز نیست.

که وجوه و احتمالات مختلفی نیز داریم که می خواهد به مساوی بفروشد یا به نقیصه یا زیاده بفروشد. که بررسی این وجوه را در جلسات بعدی بیان خواهیم کرد.